

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کُتُبُنا

کَلَامُ اللَّهِ

حَبِيبُ اللَّهِ إِسْلَامِي

«مشخصات اثر»

نام: گفتارنامه کَلِمَةُ اللَّهِ
مؤلف: حبیب الله اسلامی
کد اثر: =4803140001=
امور آماده سازی: دفتر اسلامی کَلِمَةُ اللَّهِ
تاریخ چاپ: 1400 هـ.ش
طبع: دَوَم
ناشر: مناجات
تعداد: 1000 جلد

www.Islami.af

islamiyf@gmail.com

@islamiyf تلگرام

جميع حقوق متعلق به «دفتر اسلامی کَلِمَةُ اللَّهِ» می باشد.

فهرست مطالب

مطلع گفتارنامه کَلِمَةُ اللَّهِ	۵
رائحه اول: دِل، بندِ دِل پذیر	۹
رائحه دوم: معرفت و حیانی، سعادت آفرین است	۱۰
رائحه سوم: سازمان جهانی إعلاء کلمة الله	۱۹
رائحه چهارم: عقل شریف ترین نیرو در وجود انسان	۲۴
رائحه پنجم: مذاهب فقهی به رسمیت شناخته شده در هیئت امناء جهانی تقریب	
مذاهب اسلامی	۲۷
رائحه ششم: فتوای شیخ شلتوت علیه الرحمه در جواز پیروی از مذهب جعفری: ..	۲۸
رائحه هفتم: ترجمه تأییدیه فتوای شیخ الازهر محمود شلتوت	۳۱
رائحه هشتم: ترجمه مصاحبه شبکه نیل مصر با دکتر احمد الطیب، رئیس دانشگاه	
الازهر مصر درباره شیعه و سنی	۳۲
فهرست آیات	۳۴
فهرست روایات و ادعیه	۳۸
فهرست اشعار	۴۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ هُوَ اللَّهُ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ أَظْهَرَ فِي الْخَلْقِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَعَلَى الَّذِينَ مَعَهُ
النَّاصِرِينَ لِدِينِهِ الَّذِي ارْتَضَى بِهِ اللَّهُ وَعَلَى جَمِيعِ الْمُتَمَسِّكِينَ بِكَلِمَاتِ
اللَّهِ فَجَعَلَنَا اللَّهُ مِنْهُمْ وَمِنَ السَّاعِينَ لِأَعْلَاءِ كَلِمَةِ اللَّهِ.

« رَبِّ ادْخُلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي
مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا »¹

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْإِهْتِمَامُ
بِهِ وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسَالْنِي غَدًا عَنْهُ وَاسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيَمَا خَلَقْتَنِي

1- و بگو: پروردگارا! مرا [در هر کار و شغلی] به نیکی وارد کن و به نیکی بیرون آور و برایم از نزد خود نیرویی
یاری دهنده قرار ده. . سوره مبارکه اسراء، آیه 80.



لَهُ وَ أَغْنِنِي وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ وَ لَا تَقْتِنِي بِالنَّظَرِ وَ أَعِزَّنِي وَ لَا
تَبْتَلِنِي بِالْكِبَرِ وَ عَبْدَنِي لَكَ وَ لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ وَ أَجِرْ
لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنِّ وَ هَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ
وَ اعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ.¹

شمر معرفت و عمل ثقلینی در مکتب نورانی اسلام، تربیت انسان است؛ انسان دانا و عمل
گرا، انسانی که از دانایی او، عمل آدم ساز به وجود آید که نتیجه آن، رسیدن به مقام
انسانیت است و بدین سان «انسان سازی» بالا ترین کار دینی است که همت والای پیام
آوران الهی صرف آن گردیده است.

رسالت اصلی حوزه های علمیه و مدارس دینی که غنی ترین و با سابقه ترین دانشگاه سرزمین
های اسلامی است نیز در همین راستا قرار دارد و آیه شریفه نَفْرَبَّانِ گَرَّانِ است که می فرماید:

«وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ
مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ
يَحْذَرُونَ»²

1- «خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا از آنچه توجّه به آن دچار سرگرمی و مشغولیت می کند، باز
دار؛ و در اموری به کار گیرم که فردای قیامت در ارتباط با آن از من بازپرسی می کنی؛ و روزگaram را در اهدافی
که مرا به خاطر آن به وجود آوردی پایان ده؛ و مرا توانگر کن و روزیت را بر من بگستران و مرا به چشم داشت
نسبت به آنچه در دست این و آن است دچار مکن و ارجمندم ساز؛ و مرا به سرکشی و گردن کشی، گرفتار
مساز؛ و بر مدار بندگی ات قرارم ده و عبادتم را به خودپسندی تباه مکن و خیر و نیکی را به دست من برای تمام
مردم جاری ساز و آن را با آلوده شدن به منت نابود مکن و اخلاق شریفه و بلند مرتبه به من ببخش و از فخر فروشی
نگاهم دار»، صحیفه سجادیه، دعای مکارم الأخلاق. (صحیفه سجادیه، دعای مکارم الأخلاق)

2- «و مؤمنان را نسزد که همگی [به سوی جهاد] بیرون روند؛ چرا از هر جمیعتی گروهی [به سوی پیامبر] کوچ
نمی کنند تا در دین آگاهی یابند و قوم خود را هنگامی که به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند، باشد که [از
مخالفت با خدا و عذاب او] بپرهیزند». سوره مبارکه توبه، آیه 122



این آیه نورانی از مؤمنان دوخواست مشخص دارد:

اول: فهم دقیق دین (اسلام)؛

دوم: انتقال فهم درست دین در قالب انذار به اقوام و همکیشان خویش؛

به لطف الهی باهدف گام نهادن در این مسیر، الله متعال توفیق تأسیس مدارس و مراکز دینی در برخی از مناطق محروم در ولایت قندوز و تخار را به اینجانب عنایت فرمود و نیاز بود که برای نظم بخشیدن به امور اداری و منحرف نشدن آنان از مسیر اصلی شان اساسنامه‌ای تدوین شود که بحمدالله این امر با نوشته ای به نام «نظام نامه مدارس و مراکز اسلامی کَلِمَةُ اللَّهِ» محقق گردید و پس از آن، این گفتارنامه مختصر، با عنوان «گفتار نامه کَلِمَةُ اللَّهِ» با انگیزه های زیر تألیف گردد:

1- انتقال گوشه ای از اوضاع نکبت بار حاکم بر جهان اسلام، پس از تدوین نظام

نامه یاد شده .

2- تذکری به مسئولان کم توجه مراکز حوزوی و مدارس دینی نسبت به جایگاه مدارس

دینی و تربیت درست فقه جوین علوم و معارف اسلامی برابر خواست آیه شریفه نَفَر .

3- تبیین روح «نظام نامه مدارس و مراکز اسلامی کَلِمَةُ اللَّهِ» که الله متعال مدارس

و مراکز تحت اشراف آن را مایه اعتلاء، عزت و شرافت اسلام و مسلمین قرار دهد بِعِزِّهِ وَجَلَّالِهِ .

مطالب این گفتارنامه بِحَوْلِ الهی تحت عنوان «رائحه» در هشت بخش تقدیم می گردد.

امید است، إله عالمیان بحیث عضوی دردمند از امت اسلامی مدد نماید تا آنچه که ذیلا

در این گفتارنامه انعکاس می یابد، تسکینی باشد بر آلام دردمندان امت اسلامی و انسان

های آزاده و پندی باشد برای آیندگان و عبرتی برای «مَنْ كَانَ حَيًّا»¹

1- تا کسانی را که (به عقل و استعداد) زنده اند هشدار دهد. سوره مبارکه یس آیه 70



با سلام به ارواح طيبة شهدای مسیر اعلاء کلمة الله از جمله برادر عزیزم شهید راه ثقلین
حجت الاسلام والمسلمین عبدالقیوم انصاری رحمته الله علیه.

﴿وَقَقْنَا اللهَ لِإِعْلَاءِ كَلِمَةِ اللهِ وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ﴾

مؤسس

مدارس ومراكز اسلامي كَلِمَةُ الله

الحمد لله

الحمد لله

= 4803140001 =



■ رائحه اول: دِل، بندِ دِل پذیر

الله متعال انسان ها را آزاد آفریده است و برای هدایت آنان کتاب و رسول فرستاده تا با اندیشه، دانایی و آزادی دین گرا شوند، نه بازور و اجبار، زیرا که عقیده پذیرفتنی است نه تحمیلی، و طبیعی است تا چیزی دل پذیر انسان نباشد، دِل انسان بند آن نخواهد شد، بنابراین پایبند شدن آدم به چیزی آزادانه و براساس اندیشه و معرفت است که او را اُسیر خود می سازد تا جایی که جان در راه آن نثار می کند.

از این رو است که رَبُّ الْعَالَمِينَ انسان را اختیار داده است و اندیشیدن و دانستن را ستوده و به سوی آنها تشویق نموده است تا با معرفت و آزادی عقیده مند گردد نه زور و اجبار، و دین اسلام دل پذیر را با کلمه شریف و پر معنا «إِقْرَأْ»¹ (بخوان) آغاز نموده و به علم و دانش جایگاه رفیع و خطیر بخشیده است؛ زیرا که از دانش باورمندانه عمل می زاید و دل بندی، و اگر شناخت نادرست باشد، فرزندش نامشروع و مکروه می گردد، چنان که امروز بخش عمده مشکلات جهان اسلام حاصل این فرزندان نامشروع است و نیز کسانی که خیال می کنند بازور می شود مسلمان ساخت و نگهداشت. بیائیم در این زمان گفتنی هایمان را بگوئیم ولی حق انتخاب را از انسانها نگیریم، اگر مسلمانیم زیرا که «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»²

1- إِقْرَأْ (بخوان) سوره علق، آیه 1.

2- «در دین، هیچ اکراه و اجباری نیست [کسی حق ندارد کسی را از روی اجبار وادار به پذیرفتن دین کند، بلکه هر کسی باید آزادانه با به کارگیری عقل و با تکیه بر مطالعه و تحقیق دین را بپذیرد]». سوره مبارکه بقره، آیه 256.



■ رائه دوم: معرفت وحياني، سعادت آفرين است

الله سبحانه وتعالى مي فرمايد:

«وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»¹

بدین سان گروهی را ترغیب می سازد تا دین فهم شوند و سپس به انذار دیگران بپردازند، تا آنان نیز پرهیزگار، ترسا و مرگ اندیش گردند،

یکی از رموز مهم نهفته در آیه شریفه این است که معرفت دینی باید حاملش را ترسا ساخته باشد تا او هم دیگران را ترسا گرداند. کسی که نسوخته باشد هرچه شرح درد سوختن دهد، نمی تواند در شنونده احساس سوختن به وجود بیاورد.

تا شناخت صاحبش را معطر نساخته باشد کی نسیم معرفت دلنوازی کند. مُرَبِّي تا فنون را بر خود جاری نساخته باشد چگونه می تواند انتقال تجربه کند، شیر، شیر می زاید و روباه، روباه. در زمان ما غالباً خاستگاه دین آموزی مدارس و مؤسسات عالی دینی است، که تربیت عالمان دینی را عهده دار است و مدعی حرکت در مسیر خواست آیه شریفه نَفَر، اما اینکه این مدارس چند در صد موفق بوده اند؟

این را باید از عمل کرد فارغ التحصیلان آن ها و وضع و حال فعلی مسلمانان ارزیابی کرد و نمره داد. اصلی ترین فلسفه وجودی این مدارس آن است که :

اولاً: در آنان نیروهای طالب فهم دینی، درست تربیت شوند.

1- «والمؤمنان را نسزد که همگی [به سوی جهاد] بیرون روند؛ چرا از هر جمعیتی گروهی [به سوی پیامبر ﷺ]. [کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی یابند و قوم خود را هنگامی که به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند باشد که از مخالفت با خدا و عذاب او]. پرهیزند.»، سوره مبارکه توبه آیه 122



ثانیاً: در هنگام ورود به صحنه اجتماع و پرداختن به کسوت ترویج معرفت دینی، درست تربیت کنند که بحمدالله بسیاری چنین شده‌اند ولی هم اکنون رنج جهان اسلام و بخش عمده عقب ماندگی های آن از ناحیه کسانی است که درست در معرفت اسلام غوطه ور نگشته و تربیت همه جانبه نشده‌اند، و ناپخته از شاخه معرفت وارد عرصه عرضه دین گشته‌اند و نحوه ضربِ نقل و عقل و عقل و نقل را نیاموخته و یا بهره‌ای از آن نداشته و یا دچار جمود فکری‌اند که نتیجه فتوا و گفتار نامبارک چنین کسانی، تخم فاجعه بار اختلافات را در سرزمین اسلام غریب و بی دفاع کاشته و می‌کارند و دشمنان تجربه مند اسلام، از تمام ظرفیت های شان در راستای به ثمر نشاندن این دانه های نامیمون تلاش می‌کنند که متأسفانه شاهد محصول غیر قابل باور آن هستیم و این است که جایگاه مدارس دینی را مورد توجه و تأمل قرار می‌دهد.

واقعیت این است که سرنوشت اسلام با مدارس دینی جهان اسلام گره خورده است؛ زیرا که صاحبان فتوا و اسلام‌رسانان، چه مفید به حال اسلام و چه مضر به آن، مستقیم یا غیر مستقیم، از طریق همین مدارس به صلاحیت تبلیغ دین و صدور فتوا می‌رسند، بنابراین تا زمانی که اصلاح و همبستگی از مدارس مذاهب اسلامی آغاز نگردد، جوامع اسلامی روی سعادت و خوشبختی و اتحاد و همبستگی را که درخور شأن اسلام باشد، نخواهند دید!

مدارس اسلامی بشرطی که اصلاحات را در راستای رسالت‌های شان منطبق با شرائط عصر و زمان به وجود آورند ظرفیت این را دارند که نقش اساسی در رشد مادی و معنوی مسلمانان و اتحاد جهان اسلام ایفا کنند؛ زیرا که دین اسلام این ظرفیت را داراست که به مدد عقل سلیم بر مشکلات بشری فائق آید تا چه رسد به حلّ معضلات جهان اسلام و به همین خاطر است که دین اسلام مورد تهاجم دشمنان خود قرار دارد؛ چه اینکه اگر از تمام ظرفیت های آن و نیروی انسانی پر استعدادش و سرزمین غنی تحت سیطره اش استفاده معقول و دین محور شود، دشمنان اسلام خواه ناخواه از کبکبه و دبدبه شان خواهند افتاد، اینکه با



چنگ و دندان به جان اسلام راستین و مسلمانانِ مسلمان افتاده‌اند خودش حاکی از روبرو به اضمحلال بودن فرهنگ و سیاست‌های مغلوب دشمنان قسم خورده اسلام است. از هر جا جلو ضرر گرفته شود معقول است، ولی افسوس که صدای مصلحان جهان اسلام که بسیار هم تلاش کرده‌اند و می‌کنند کمتر مورد توجه و عمل قرار می‌گیرد، که این خود داستان غم‌بار دیگری است. و براساس آیه شریفه :

«قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ وَفُرَادَى»^۱

باید هر کدام مان به اندازه وسع و توان خویش در بهبود وضع نابسامان جهان اسلام سهم جدی ایفاء نمائیم که بی تفاوتی گناهی است بزرگ.

با توجه به نقش محوری مدارس دینی در بعد حل مشکلات جهان اسلام در صورت درست عمل کردن و هم چنان افزون ساختن گرفتاری مسلمانان در صورت بد عمل کردن، مطالبی چند با عنوان «غور» به محضر شریف درد مندان و دست‌اندرکاران مدارس دینی با هدف شروع گام‌های منسجم ترو به کاسبان دینی برای دست برداشتن از زنان خوری از مسیر دامن زدن به اختلافات مذهبی عرض می‌کنیم، امید است که با کمک الهی شکوه مندی همه جانبه جهان اسلام از مدارس و مؤسسات دینی آغاز گردد.

۱- «بگو: من شما را فقط به یک حقیقت اندرز می‌دهم [و آن] اینکه: دو تا دو تا و یک یک برای خدا قیام کنید»
، سوره مبارکه سبأ آیه ۴۶



غَوْرِ اول: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمٍ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ»¹
تحوّل درجهان اسلام به ویژه در راستای وحدت و همبستگی امت اسلامی باید از مدارس دینی شروع شود، زیرا از همین مدارس است که رهبران فکری و دینی جامعه برخاسته و بر می خیزند. لذا می طلبد که حرکت بنیادی هم از همین نقطه آغاز شود تا جامعه از آن الهام پذیر گردد.

غَوْر دوم: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعاً وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً»²

خداوند متعال ارزش يك انسان را برابر با ارزش همه انسان ها دانسته است توجه به این اصل اساسی باید در عرصه های مختلف اجتماع اسلامی و انسانی بروز و ظهور پیدا کند ولی متأسفانه این اسلام پر ظرفیت امروز به دست انسان های کم ظرفیت اَلْمَنَّاك گردیده است. وضع نکبت بار جهان اسلام و عملکرد ناشایست برخی از مسلمان نمایان که طفل را در حضور والدینش با وضع فجیع و غیر قابل بیان به شهادت می رسانند و یا انسان را در قفس می سوزانند یا زنده به گور می سازند، جز عذرخواهی و شرم ساری به پیشگاه مقدس اسلام مبلّغ رحمت، چیزی قابل گفتن نیست!

بنابراین ارزش مندی انسان باید طبق کلام الله مجید مورد توجه عمیق برنامه ریزان مدارس دینی قرار گیرد، زیرا اسلامی که خدایش خود را رَحْمَان و رَحِيم خوانده و پیامبرش را

1- «آن که خود را در مرتبه پیشوایی قرار می دهد باید پیش از مؤدب نمودن مردم به مؤدب نمودن خود اقدام کند، و پیش از آنکه دیگران را به گفتار ادب نماید، باید به کردارش مؤدب به آداب کند، و آن که خود را بیاموزد و ادب نماید به تعظیم سزاوارتر است از کسی که فقط دیگران را بیاموزد و تأدیب کند» نهج البلاغه، حکمت 73

2- «هر کس دیگری را بکشد بی آنکه آن دیگری کسی را کشته، یا در زمین فساد و تباهی کرده باشد چنان است که همه مردم را کشته است و هر کس دیگری را زنده کند (از گرفتاریها و از ضلالت و گمراهی نجات و رهایی دهد) چنان است که همه مردم را زنده کرده است»، سوره مبارکه مائده، آیه 32



رحمت برای عالمیان و پیروانش را مهرورز باهمدیگر، و کتابش را نیز رحمت معرفی کرده است و خالقش ندای مبارک، «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»^۱ ارزانی انسان ها نموده است باید در اجتماع اسلامی و عرصه های مختلف آن، بروز و ظهور پیدا کند ولی متأسفیم که ...

غور سوم: «لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ»^۲

باید مدرسه دیده های نا آشنا با زوایای مختلف اسلام از اظهار نظرهای حساسیت بر انگیز و یکطرفه در جهان اسلام خود داری ورزند و الا ضرر آنان از منفعت شان برای اسلام و مسلمانان بیشتر خواهد بود و گفته های ناسنجیده آنان زیان و خسران غیر قابل جبران را نصیب مسلمین خواهد ساخت؛ چنان که می بینیم.

غور چهارم: «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»^۳

تعالی و ترقی اسلام و مسلمانان از جهتی در گرو این است که حاکمان ممالک اسلامی با رهبران لیاقت مند مذهبی و زعمای مراکز سترگ دینی با هدف اجرایی کردن سیاست های وحدت آفرین، همسو گردند و همه در مسیر نوکری دین قرار گیرند نه اینکه برخی از حاکمان به جای نوکری دین، نوکری زورور نمایند و برخی عالمان هم نوکری چنین حاکمانی را؛

۱- «خدا آسانی و راحت شما را می خواهد نه دشواری و مشقت شما را» سوره مبارکه بقره، آیه ۱۸۵.

۲- «به حقیقت، اگر نادان سکوت اختیار کند و درجائی که تخصصی ندارد، از اظهار نظر خودداری ورزد، مردم اختلاف نمی کنند و اختلافات فکری و عقیدتی، برچیده می شود و اندیشه ها به نقطه مشترک می رسند»، مستدرک عوالم العلوم: ۲۳ / ۲۷۹.

۳- «یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید»، سوره مبارکه مائده، آیه ۲.



غور پنجم: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۱

حمایت عملی مدارس دینی، دانشگاه‌ها، علما و نخبگان متعهد جهان اسلام از پیشنهادها و سیاست‌های وحدت ساز مؤسسات دولتی و خصوصی جهان اسلام بهترین راهکار برای خروج امت اسلامی از مشکلات و بحران‌های دام‌گیر آنان می‌باشد؛ مشکلاتی که شب و روز قربانی می‌ستانند و آوارگی به بار می‌آورد و زمین شرم‌سار است از بلعیدن خون‌های به ناحق ریخته شده بر آن.

غور ششم: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»^۲

جلوگیری از نقل قول‌های ناپخته و خرافی و بدور از بصیرت و تعمق، تبیین فوائد اتحاد و مضرات اختلافات ناجبا، روشن کردن زوایای تاریک و دسیسه‌های ناپیدای دشمنان اسلام و تسلیم زور و زور نشدن از وظایف اساسی مدارس دینی است.

غور هفتم: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۳

اگر توصیه‌های همه جانبه و سنجیده بزرگان باتجربه، آبدیده و دلسوز اسلام و مصلحان پیشکسوت و صاحبان دانش و بینش مورد عنایت فارغ التحصیلان مدارس دینی قبل از ورود به عرصه‌های مختلف جامعه قرار گیرد جلو بسیاری از افراط و تفریط‌های مضر به امت اسلامی گرفته خواهد شد.

1- «کسی که صبح کند و اهمیتی به کارهای مسلمانان ندهد او از مسلمانان نیست»، أصول الکافی، باب الاهتمام بأمور المسلمين، حدیث 1.

2- «بگو: این راه من است، که من و هر کس که از من پیروی کرد با بصیرت و بینایی به خدا دعوت می‌کنیم»، سوره مبارکه یوسف، آیه 108.

3- «از اهل کتاب و علماء و دانشمندان (که به احوال و چگونگی‌های امم سابقه و پیشینیان دانایند) بپرسید اگر شما نمیدانید (که پیغمبران گذشته همه از جنس بشر بودند»، سوره مبارکه نحل، آیه 43.



غور هشتم: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ»^۱

به هر میزانی که ارباب مذاهب از امکانات شان برای معرفی اسلام از منظر مذهب خود و تبیین ظرفیت های آن مذهب استفاده کنند و توجه بیشتر شان را به آموزش هم مسلمانان خود مبذول دارند، به همان اندازه جنگ و دعوا بین پیروان مذاهب فروکش می کند و بازار تکفیر از رونق می افتد، اما با کمال تأسف غالب پیروان مذاهب اسلامی با مسائل اولیه مذهب شان ناآشنایند و به جایی که فارغ التحصیلان مدارس دینی به هم مسلمانان خود معارف مذهبی شان را آموزش دهند و آنان را با مسائل اولیه مذهب خودشان آشنا سازند به خانه تکانی دیگر مذاهب با انگیزه های نامقدس می پردازند که باعث تخریب، توهین و تحقیر پیروان دیگر مذاهب گردیده و در نتیجه طوفان زهرآگین، فضای مبارک ممالک اسلامی را فرا می گیرد. چنین مبلغانی که خود شان را مهربان تر از پیشوایان سترگ اسلام جلوه می دهند و دایه مهربان تر از مادر می گردند بر امواج به وجود آمده سوار می شوند و به نرخ روز نان فراهم می سازند تا زندگی شان را سامانی بخشند، مردم ساده دل خیال می کنند که این ها دلسوز مذهبند. پس بیائیم اگر دلسوز دینیم و مذهب خویش را به حق می دانیم، اول معرفت آموزی را به پیروان مذهب خود یاد دهیم بعد به دیگران؛

غور نهم: «وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَّهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ»^۲

بیائیم به نیکویی های دیگر مذاهب اسلامی بنگریم و از پرداختن به جنبه های مخالف میل و باورهایمان در غیر موارد مورد نیاز دست برداریم و اگر هم وارد شدیم شیوه جدال احسن و رعایت انصاف را مد نظر بگیریم و حاضر و ناظر دانستن الله متعال در قضاوت های نهانی و آشکارا درباره همگان بالخصوص پیروان دیگر مذاهب اسلامی فراموش نکنیم مثل زنبور عسل

۱- «و هیچ سنگین باری بار گناه دیگری را بر نمی دارد» سوره مبارکه فاطر، آیه ۱۸.

۲- «و از اهل کتاب کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شماری، آن را به تو باز می گرداند»، سوره مبارکه آل عمران آیه ۷۵.



باشیم با شهد گل سرو کار داشته باشیم؛

غور دهم: «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ»¹

تقسیم بهشت و جهنم را به خالق متعال بسپاریم و از آنکه قضاوت درباره اینکه پیروان فلان مذهب جهنمی است و فلان مذهب بهشتی، پائین بیائیم. ما در دنیا دنبال حق و حقیقت باشیم نه تقسیم بهشت و جهنم؛ چرا که قاضی نهایی الله متعال است نه من و تو؛

غور یازدهم: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»²

تلاش کنیم روی جوهره دین و اصول آن کار کنیم و عملاً فروع دین را بر اصول دین مقدم نسازیم که بسیاری از مشکلات جهان اسلام به این خاطر می باشد؛ چرا روی مشترکات پذیرفته شده بین تکتک مذاهب اسلامی کمتر کاری شود و بیشتر اختلافات مذهبی دامن زده می شود آیا این برای جلب رضای خداوند است؟ خداوند که ما را به «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»³

دعوت می کند و از تفرقه به دور می دارد، بلکه از آن با لفظ صریح «وَلَا تَفَرَّقُوا» نهی می کند. یقیناً در شعله و رساختن اختلافات، رضایت الهی نیست بلکه رضایت شیطان است. پس بیائیم به حرمت الهی نه خود را فریب دهیم نه دیگران را. بهر وصل کردن

1- «پس خدا روز قیامت در میان آنان درباره آنچه با هم اختلاف می کردند، داوری می کند.» سوره مبارکه بقره، آیه 113.

2- «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است [و همه کتاب های آسمانی و پیامبران آن را ابلاغ کردند] که: جز خدای یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او قرار ندهیم، و بعضی از ما بعضی را اربابانی به جای خدا نگیرد پس اگر [از دعوت به این حقایق] روی گردانند [تو و پیروانت] بگوئید: گواه باشید که ما [در برابر خدا و فرمان ها و احکام او] تسلیم هستیم» سوره مبارکه آل عمران آیه 64.

3- «و همگی به ریسمان خدا [قرآن کریم با بیان رسول الله ﷺ و اهل بیت علیهم السلام] چنگ زنید، و پراکنده و گروه گروه نشوید» سوره مبارکه آل عمران، آیه 103.



مسلمین گام نهم نه بهر فصل کردن آنان و بلکه بالاتر بهر وصل کردن انسان های آزاده عالم اهتمام ورزیم و به ترویج انسانیت کمک کنیم.

غوردوازدهم: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ»¹

از حرکت های نامبارك بین مسلمین به خصوص در مسیر حذف برخی از نخله ها و فرقه های اسلامی در طول تاریخ عبرت بگیریم که جز ضعف و تشنّت و پراکندگی چیزی عاید مسلمانان نشد. صاحب يك فکر و اندیشه را می شود از بین برد، نه خود فکر و اندیشه را. گل را می شود لگد مال کرد، ولی جلوانتشار عطر و بوی آن را نمی شود گرفت. پس هوشیار شویم و از خون های به ناحق ریخته شده مسلمین در راه نامقدس پندپذیر شویم. آیا خسارت های زیان بار حرکت های ناسنجیده در جهان اسلام که متأسفانه عقبه آن تاکنون هم در این مسیرهای پراغوجاج در حرکتند، چیزی جز خسران و عقب ماندگی، ذلت و خواری عاید مسلمانان ساخته است؟

1- «(پس ای صاحبان بینش و بصیرت! عبرت بگیرید» سوره مبارکه حشر، آیه 2.



■ رائج سوم: سازمان جهانی إعلاء کلمة الله

همه ما مسلمانان باید از خواب غفلت بیدار شویم و نسبت به سرنوشت جهان اسلام حساسیت خود را عملاً نشان بدهیم. تا زمانی که استبداد حکام مسلمان نما، جهالت و بی خبری توده مسلمان و عقب ماندن آن ها از کاروان علم و تمدن، نفوذ عقاید خرافی در اندیشه مسلمانان و دور افتادن آن ها از اسلام نخستین و جدایی و تفرقه میان آنان به عناوین مذهبی و غیرمذهبی و نیز فقر اقتصادی، غفلت علما و بزرگان مذهبی از معضلات جوامع اسلامی، جهالت، تعصب و بی ظرفیتی مسلمانان، ادامه داشته باشد دردها و مشکلات موجود در جوامع اسلامی و عقب ماندگی معنوی و مادی آنان هم کماکان ادامه خواهد داشت. باید هرکدام در حد خویش برای خروج جهان اسلام از مشکلات پیش روی آن، کاری کنیم، به ویژه در عرصه توسعه علم و فرهنگ و شناخت اسلام اصیل از سرچشمه آن. شناخت اصیل، شناختی است که با مراجعه به قرآن عظیم الشان و سیره و سنت صحیح رسول خاتم صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرین آن حضرت علیهم السلام که سرچشمه های جوشان معرفت اسلامند به دست آید تا رفتار و اعمال مسلمانان را نیز با آنان وزن نمود و سنجید نه اینکه اسلام را از اعمال و رفتار مسلمانان بشناسیم، گرچه هستند و بوده اند مسلمانانی که رفتار آنان اسلام آموز بوده و هست اما راه درست شناخت اسلام، مطالعه خود اسلام است نه منتسبین به آن. اول باید حق را بشناسیم سپس اهل آن را.

إِعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفْ أَهْلَهُ¹

متأسفانه در عصر ما باتوجه به غول های رسانه ای جهان و اهداف مغرضانه اسلام ستیزان، مسلمانان به منبع شناخت اسلام مبدل گردیده اند، که این کار برای اسلام فاجعه بار شده است و بیشتر جنبه های منفی اعمال فردی و جمعی مسلمانان را مورد نقد و تحلیل و قضاوت علیه اسلام قرار می دهند. بنابراین می طلبد هر مسلمان نسبت به تأثیرات مثبت

1- (خود حق را بشناس تا پیروان آن را بشناسی) الأُمالی للمفید : 3/5.



و منفی و فوائد و مضرات بیرونی اعمال خود که ارتباط مستقیم با تعزیز و تذلیل اسلام دارد و دشمنان اسلام از آن به عنوان حربۀ علیه اسلام بهره می‌گیرند و ناآشنایان به اسلام آن را تعلیمات مسلم اسلام می‌پندارند، بیندیشد.

وضعیت فعلی مسلمانان جهان متأسفانه علی‌رغم امیدواری‌هایی که وجود دارد، تأسف‌بار است. همه چشم‌ها به ممالک اسلامی دوخته شده است، و اکثریت ممالک اسلامی مستقیم یا غیرمستقیم درگیر جنگند، که برخی از عوامل آن را می‌توان در امور زیر جستجو کرد:

- 1- عدم شناخت متن و روح اسلام اصیل از سرچشمه‌های آن.
- 2- بیداری دشمن و خفتگی جماعتی از مسلمانان به ویژه آنانی که هیزم معرکه شده‌اند.
- 3- نظرات افراطی آنانی که جنبه‌های رحمانی اسلام عزیز وسعه صدر آن را نادیده انگاشته‌اند.

4- کم‌ظرفیتی سیاسیون دخیل و نبود روحیه تحمل و همدیگرپذیری.

5- تلاش نامقدس برای رسیدن به حشمت و جاه و حفظ موقعیت.

6- نیاز، فقر، کوتاه‌نظری و عدم درک یکدیگر.

7- جهالت و بدتر از آن بدفهمی دین.

8 - ونفاق و ریاکاری مقدس‌مآبان مسلمان‌نما.

پس بدان ای مسلمان تو بعنوان عضوی از خانواده بزرگ دنیای اسلام قبل از اینکه به مذهب خود تعلق داشته باشی به خانواده اسلام تعلق داری، پس تکلیف دینی ات این است که، قبل از آنکه به فکر مذهب خود باشی به فکر اصل اسلام عزیزت باش، چون عملت چه قلیل و چه کثیر، در نیک نامی و بد نامی اسلام در حد خود و با توجه به اینکه قطره قطره جمع گردد و آنکھی دریا شود تأثیر دارد.

پس بیائیم در مسیر آیه مبارک «كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا»^۱ و حدیث شریف «الْإِسْلَامُ يَعْلُو»

1- «و کلمه خداست که برتر است» سوره مبارکه توبه، آیه 40.



وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ^۱ عاقلانه گام نهیم و اسلام والا را با عمل خود بالا نگهداریم و سعی کنیم که حداقل باعث پائین آمدن عظمت و شکوه آن نشویم که متأسفانه در این دوران چنین اقداماتی صورت می پذیرد، و با کمال تأسف جمعی نا اهل از این امت در این مسیر روانند. بیاییم با حفظ اعتقادات مذهبی خویش اصل مُهم و أَهمّ را توجه کنیم، مذهب هر مسلمانی برای خودش مهم است، ولی حفظ کلیت اسلام و آبروی آن مهم تر از آن است، چنان که رهبران بزرگ ما عملاً دغدغه اسلام داشته اند و در چنین مسیری مشی نموده اند. اگر اسلام از بین برود مذهب خود به خود از بین خواهد رفت چون مذهب زیر چتر اسلام است، پس وظیفه هر مسلمان واقعی این است که در وهله اول به فکر آبرو و حیثیت اسلامی که تحفه آسمانی است برای جهانیان باشد، و در حدّ خویش حرمت اعتلای آن را حفظ کند. اسلام وقتی عزیز جهانیان خواهد شد که ما مسلمانان برای عزیز کردنش کنار هم قرار گیریم و برای عزت آن، همه ما بسیج شویم، زیرا که سرمایه همه خوشبختی ها در دنیا و آخرت و اصل تمدّن و مایه پیشرفت مقاصد شخصیه و نوعیه، اتفاق است و جمع شدن روی موارد قابل جمع، و منشاء همه فلاکت ها و بدبختی ها تفرّق است و جدایی و دوری از ندای سعادت آفرین «وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۲، تا ما مسلمانان به فکر خویش اعتلا نبخشیم که خود این کار، نیاز به يك نهضت همگانی به ویژه بین متعلمان مدارس دینی و مخصوصاً مدیران و گردانندگان مراکز عالی مذهبی دارد، جهان اسلام، به شکوهی که در خورشانش می باشد نخواهد رسید.

چرا جذب اسلام، آن چنانکه باید، نگردیده ایم؟ تا بالا رویم مگر خدایمان نگفت،

«تَعَالَوْا»^۳

۱- اسلام برتر است و هیچ آئینی بالا دست آن نیست، الفقیه ۴: ۲۴۳

۲- «وهمگی به ریسمان خدا [قرآن کریم با بیان رسول الله ﷺ و اهل بیت علیهم السلام] جنگ زنید، و پراکنده و گروه گروه نشوید»، سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۰۳

۳- «بالا بیائید»، سوره مبارکه آل عمران آیه ۶۴



آیا اسلام توان بالا کشیدن ما را ندارد؟ یا ما فاقد شرائطیم؟ و بین ما و اسلام ارتباط واقعی و معنوی برقرار نگردیده است؟

پس ای برادر! مشکل از آهن ربا نیست، مشکل از نبود آهن است، آهن ربا هر کس و نا کسی را جذب نمی کند و چیزی را به سوی خویش می کشد که شباهتی با او داشته باشد، او هیچ وقت خاک را جذب نخواهد کرد گرچه روی آن قرار داشته باشد، پس راه درست این است که با اسلام عزیز سنخیت پیدا کنیم و دل و جان را در اختیار او نهیم!

بنابراین بجاست که با عنایت به مسایل مطروحه، سهم متناسب با ظرفیت و امکانات مان را در راستای «اعلای کلمة الله» داشته باشیم که بحمد الله در همین جهت مراکز زیادی در گوشه و کنار عالم به اهتمام انسان های متعهد و مؤمن تأسیس گردیده و پروردگار عالم این حقیر را هم از این نعمت، بهره مند ساخته است و «دفتر اسلامی کلمة الله» اهتمام در این راستا را رسالت دوام دار خود می داند، ولی جای يك مرکز جهانی در عالم اسلام که در راستای «اعلاء کلمة الله» برنامه ریزی تخصصی، هدف مند و رسالت مدار داشته باشد بین امت اسلامی خالی است که امید است این امر با حمایت عملی بزرگان و رهبران دینی ذی نفوذ و صلاحیت دار مذاهب اسلامی به نام «سازمان جهانی اعلاء کلمة الله» با کمک سازمان ها و نهادهای اسلامی و حتی غیر اسلامی هم سو و هم سنخ، تشکیل گردد.

تا ان شاء الله به برکت اعلای کلمة الله غالب مان از فکر عالی بهره مند شویم؛ (چه مسلمان و چه غیر مسلمان) شاید آن وقت جهان از جنگ و خونریزی عاری شود، زیرا که منشأ همه بدبختی ها افکار سُفلی است و سعادت، تعالی و شکوه نتیجه افکار علیا.

و چه خوب است که گام نخست آن، از مدارس دینی مذاهب اسلامی در مناطق محل حضور شان آغاز گردد، تا با مدد الهی گام های مؤثر و عملی تری در این راستا برداشته شود، به امید چنین روزی.



قوت أفرنگ از علم و فن است
از همین آتش چراغش روشن است
علم و فن را ای جوان شوخ و شنگ
مغز می‌باید نه ملبوس فرنگ
فکر چالاکی اگر داری بس است
طبع دَرّاکی اگر داری بس است

زیباترین سخن در پایان این بخش این است که عزیزان:

بیائیم إعلاء کَلِمَةِ اللَّهِ را
از خود شروع کنیم



■ رايحه چهارم: عقل شريف ترين نيرو در وجود انسان

پيشرفت هرملتي مرهون به کارگيري تجارب پيران، استفاده از علم دانشمندان و اقدام جوانان مي باشد. توسعه و ترقي مادي و معنوي هر ملت به تربيت نسل جوان امروز آن بستگي دارد. لذا ملتي به سربلندي و عزت و شرافت همه جانبه خواهد رسيد که بيشترين تمرکز را روی نسل نوجوان و جوان خود معطوف دارد. مراکز تعليمي و تربيتي هر کشور بهترين مأمني است برای رشد اين نسل که آينده را در دست خواهند داشت و تربيت معياري است، که اين حرکت را ثمر بخش مي سازد. در عرصه تعليم و تربيت بايد به جاياگاه عقل و خرد توجه عميق تري مبذول گردد تا جامعه به خود اتکالي بيشترى دست يابد و پرورش فزون تر عقل و فکر، فراگير گردد، عقلي که شريف ترين نيرو در وجود انسان است، و ارزشمندترين نعمت الهی برای بشریت، و به همین جهت است که انسان اشرف مخلوقات خوانده شده است. در مکتب حيات بخش اسلام، عقل داراي جاياگاه رفيع و بلندي است. در کلام الهی تأکيدات زيادي بر تعقل و تفکر گرديده و بشارت های فراواني به صاحبان فکر و اندیشه داده شده است. گرچه عقل به تنهائي نمی تواند عمق همه حقايق را درک کند و برای فهم و درک عميق به وحی نياز مبرم دارد، اما پرورش آن و کسب استقلال فکري، انسان را در مسير رشد و تعالی حرکت داده و بصيرت او را بالا می برد.

به اميد رسيدن همه ما به استقلال فکري به ويژه نسل جوان مسلمان که تجارب تلخ و شيرين فراوان از مسلمانی شان دارند.

اميد است خداوند منان آحاد امت اسلام به ويژه نسل جوان را به يُمن تعاليم انسان ساز آن دين حيات بخش، در رسيدن به اعتلای فکري کمک نمايد تا همان طور که اسلام عالی است مسلمانان هم به برکت آن به اعتلای برسند و با افکار بلند شان «عملاً» جهان را تسخير ثمرات فکر و اندیشه معقول و حياني نمايند و زمينه سوق ديگر جوانان را نيز به سوی اعتلاء معطوف دارند بلطف عيم حضرت حق جل و علا.



در پایان این رانحه توجه خود و یاران ثقلینی خویش بخصوص اعضای مدارس و مراکز اسلامی کلمه الله را از باب «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»^۱ به موارد زیر معطوف می داریم، امید که همه مان مشمول لطف کریم بنده نواز گردیم تا به برکت آن، غرق نفس حریص نشده و به لقمه ای معرفت از بوستان ثقلین دست یابیم و به ذات مقدس ذی الجلال و الأکرام دل سپاریم زیرا که مَثَل غیر الله متعال، مَثَل سراب است و تنها یاد آن خالق یکتاست که تسکین دهنده دل های حیران هست، «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۲

۱- تمرکز بر ثقیل ترین جمله عالم؛ یعنی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و مداومت بر ذکر آن حداقل در شبانه روز صد مرتبه و تفکر و تدبّر در أسماء و صفات ذات اقدس إله از جمله آیات پایانی سوره مبارکه حشر و دعای شریف جوشن کبیر که بازکننده دریچه های شناخت حضرت حق سبحانه و تعالی و روشن کننده مسیر سیر و سلوک الی الله است با حفظ طهارت باطنی و ظاهری به آن امید که جمله شریف «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ»^۳ را باور کنیم.

۲- راز و نیاز با پروردگاری نیاز با حضور قلب بالأخص سحرگاهان و شامگاهان با زمزمه دعا های ثقلینی از جمله آیات شریفه ۱۸۹ الی ۱۹۴ سوره مبارکه آل عمران و دعای تکامل زای مکارم الاخلاق صحیفه مبارکه سجادیه؛

۳- فهم حداقل یک صفحه از کلام الله مجید به عنوان سرچشمه معارف اسلام و آراسته شدن به تعالیم انسان ساز آن در ساعات شبانه روز طبق برنامه ریزی شخصی و یا دو صفحه از کلام الله مجید به این نحو که یک صفحه بعد از نماز صبح و یک صفحه پیش از استراحت شبانه مورد فهم قرار گیرد که در صورت پایبند شدن به این روش کل قرآن کریم از روی قرآن کریم های ۶۰۴ صفحه ای، در مدت ده ماه ختم می شود و اگر توفیق حضرت حق یار

۱- و پند ده زیرا پند به مؤمنان سود می دهد، سوره مبارکه ذاریات آیه ۵۵.

۲- آگاه باشید! دل ها فقط به یاد خدا آرام می گیرد، سوره مبارکه رعد آیه ۲۸.

۳- خدا با شماست هر کجا باشید، سوره مبارکه حدید آیه ۴.



شود و بعد یا قبل از نماز تَهَجُّد یا بین طلوعین انس بیشتری با قرآن کریم گرفته شود «نُورٌ عَلَى نُورٍ» خواهد بود «رَزَقَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ»

4- شناخت ابعاد مختلف شخصیت انبیاء و رسولان الهی بالخصوص با فضیلت‌ترین آنان محمد مصطفی ﷺ و اهل بیت طاهرین آن حضرت ﷺ و اصحاب مهتدینش رضوان الله علیهم و دیگر علما و دانشمندان سترگ عالم انسانیت و همچنان نفع‌رسانان و خادمان راستین بشریت و نیز مطالعات هدفمند متون معتبر تفسیری، حدیثی، ادبی، علمی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی و معلوماتی مورد نیاز روز در جهت بالا بردن سطح دانائی و کمال‌یابی و بررسی عوامل پیشرفت جوامع مترقی در زمینه‌های گوناگون و عقب ماندگی‌های مختلف جوامع اسلامی؛

5- تبلیغ اسلام پس از فهم درست آن با استفاده از آیات قرآن کریم و بهره‌گیری از سیره و سنت صحیح خاتم النبیین ﷺ و اهل البیت طاهرین آن حضرت ﷺ؛

6- نشان دادن ظرفیت‌های روحی و بلندنظری، رحمت و مهربانی خویش و دین‌مبین اسلام را در عمل و نیز در تعامل سازنده و گفتگوی مسالمت‌آمیز و همکاری و همیاری بر مبنای ایشان و گذشت با دیگران؛

۷ - داشتن روحیه تعبّد در تمام حالات زندگانی و بندگی الهی را والاترین منصب دانستن و اندیشیدن به مسئله مرگ که پس از آن حیات ابدی هرکس آغاز می‌شود؛ استفاده از معلم و استاد خرد ورز دانا و دلسوز اسلام و ارتباط با اندیشوران و دانشمندان بصیر و آزاد اندیشان واقعی؛

معرفت از لفظ دینداران کامل عقل جوی

مشورت با رأی نزدیکان دوراندیش کن



■ رائجہ پنجم: مذاہب فقہی بہ رسمیت شناخته شدہ در ہیئت امناء جهانی

تقریب مذاہب اسلامی

مقصود از مذاہب اسلامی آن دستہ از مکاتب فقہی معروف اسلامی ہستند کہ نظام اجتہادی منسجم و مستند بہ کتاب و سنت دارند. با عنایت بہ این مطلب مذاہب فقہی زیر از سوی ہیئت جهانی تقریب مذاہب اسلامی بہ رسمیت شناخته شدہ است:

- حنفی؛
- شافعی؛
- مالکی؛
- حنبلی؛
- جعفری اشاعشری؛
- زیدیه؛
- واباضیہ

(البتہ مذاہبی ہستند کہ یا پیرو ندارند و یا بہ یکی از مذاہب مذکور، مندرج می باشند و یا بہ شکل آرای فردی کہ مقید بہ مذهب معینی نیستند عمل می کنند)؛

■ رائه ششم: فتواى شيخ شلتوت عليه الرحمة در جواز پيروى از مذهب جعفرى:

متن فتواى تاريخى شيخ جامع الازهر، شيخ محمود شلتوت رئيس سابق دانشگاه الازهر مصر، در مورد جواز پيروى از مذهب شيعه دوازده امامى.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

إن بعض الناس يرى أنه يجب على المسلم لى تقع عباداته ومعاملاته على وجه صحيح أن يقلد أحد المذاهب الأربعة المعروفة وليس من بينها مذهب الشيعة الإمامية ولا الشيعة الزيدية فهل توافقون فضيلتكم على هذا الرأى على إطلاقه فتمنعون تقليد مذهب الشيعة الإمامية الاثنا عشرية مثلاً.

فأجاب فضيلته:

1 - إن الإسلام لا يوجب على أحد من أتباعه اتباع مذهب معين بل نقول إن لكل مسلم الحق فى أن يقلد بادئ ذى بدء أى مذهب من المذاهب المنقولة نقلاً صحيحاً و المدونة أحكامها فى كتبها الخاصة ولمن قلد مذهباً من هذه المذاهب أن ينتقل إلى غيره. أى مذهب كان. ولا حرج عليه فى شىء من ذلك .

2 - إن مذهب الجعفرية المعروف بمذهب الشيعة الإمامية الاثنا عشرية مذهب يجوز التعبد به شرعاً كسائر مذاهب أهل السنة .

فينبغى للمسلمين أن يعرفوا ذلك، وأن يتخلصوا من العصبية بغير الحق لمذاهب معينة، فما كان دين الله وما كانت شريعته بتابعة لمذهب، أو مقصورة على مذهب، فالكل مجتهدون مقبولون عند الله تعالى يجوز لمن ليس أهلاً للنظر والاجتهاد تقليدهم والعمل بما يقررونه فى فقههم، ولا فرق فى ذلك بين العبادات والمعاملات.



ترجمه ؛

به نام خداوند بخشنده مهربان

شیخ جامع الازهر، در مورد جواز پیروی از مذهب شیعه دوازده امامی

از معظم له سؤال شد :

عده ای از مردم معتقدند که هر فرد مسلمان برای آنکه عبادات و معاملاتش صحیح انجام گیرد، باید تابع احکام یکی از مکتب های معروف چهارگانه باشد و در میان این مکتب های چهارگانه نامی از مکتب شیعه امامی و شیعه زیدی برده نشده است. آیا جناب عالی با این نظر کاملاً موافقید که مثلاً پیروی از مکتب شیعه امامیه اثنی عشری مغایرتی با دین ندارد؟

آن جناب پاسخ دادند :

1- آیین اسلام هیچ یک از پیروان خود را ملزم به پیروی از مکتب معینی ننموده، بلکه هر مسلمانی می تواند از هر مکتبی که به طور صحیح نقل شده و احکام آن در کتب مخصوص به خود مدون گشته پیروی نماید و کسی که مقلد یکی از این مکتب های چهارگانه باشد می تواند به مکتب دیگری (هر مکتبی که باشد) منتقل شود.

2- مکتب جعفری، معروف به مذهب امامی اثنی عشری، مکتبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مکتب های اهل سنت جایز می باشد. بنابراین سزاوار است که مسلمانان این حقیقت را دریابند و از تعصب ناحق و ناروایی که نسبت به مکتب معینی دارند دوری گیرند، زیرا دین خدا و شریعت او تابع مکتبی نبوده و در انحصار مکتب معینی نخواهد بود، بلکه همه صاحب مذهبان، مجتهد بوده و اجتهادشان مورد قبول درگاه باری تعالی است و



کسانی که اهل نظر و اجتهاد نیستند، می‌توانند از هر مکتبی که مورد نظرشان است تقلید نموده و از احکام فقه آن پیروی نمایند و در این مورد فرقی میان عبادات و معاملات نیست .

امضاء

رئیس دانشگاه الازهر مصر محمود شلتوت

هفدهم ربیع الاول سال ۱۳۷۸ هجری قمری



■ رائه هفتم: ترجمه تأییدیه فتوای شیخ الازهر محمود شلتوت

توسط شیخ محمد الغزالی - از رهبران اخوان المسلمین مصر

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

من معتقدم که فتوای استاد بزرگ شیخ محمود شلتوت، گام وسیعی در این میدان است که مایه امیدواری تمام زمامداران و علمای با اخلاص و تکذیب آن، چیزی است که مستشرقان انتظار دارند، مستشرقانی که انتظار می‌کشند که کینه و نفاق، این امت را قبل از رسیدن به اتحاد و همبستگی از میان بردارد.

و این فتوا به نظر من نخستین گام در این راه است. نخستین گام برای یکپارچگی و جمع کردن مسلمانان تحت عنوان اسلام که خداوند آن را کامل گردانیده و آن را به عنوان بهترین دین برای ما برگزیده است.

و همچنین سرآغاز عمل به رسالتی است که عزت و سربلندی مؤمنان را بازمی‌گرداند و مایه رحمت جهانیان می‌گردد.

مسلمانان بدبینی‌ها و خرافات، توده اهل سنت و شیعه را به پستی می‌کشاند و اختلاف و دو دستی، همگی را از حقیقت و زندگی دور می‌سازد.

دنیا به سرعت رو به آزادی از قیود می‌شتابد و در نردبان ترقی مادی محض بالا می‌رود و به عقب افتادگان و فرورفتگان در اختلاف و خرافات همچون موجوداتی دیگر می‌نگرد.



■ رائه هشتم: ترجمه مصاحبه شبكه نيل مصر با دكتر احمد الطيب، رئيس دانشگاه الازهر مصر درباره شيعه و سنی

به نام خداوند بخشنده مهربان

- خبرنگاری از وی سوال کرد آیا به نظر شما عقاید شيعه مشکل ندارد؟
شيخ طيب جواب داد: نه، چه مشکلی دارند. پنجاه سال پيش شيخ شلتوت فتوا داده است که شيعه مذهب پنجم اسلام و مانند مذاهب ديگر است.
- خبرنگار پرسيد شيعيان با ما در حال قوم و خویشی هستند و با فرزندان ما ازدواج می کنند.
شيخ جواب داد: چه اشکالی دارد، بين مذاهب ازدواج آزاد است.
- خبرنگار گفت: می گویند شيعيان قرآن شان فرق می کند!
شيخ طيب پاسخ داد: اين حرف ها خرافه پيرزن ها است. قرآن شيعيان با ما هيچ فرقی ندارد و حتی رسم الخط شان نیز مانند قرآن ما است.
- خبرنگار گفت: پس اين اختلافاتی که بين شيعه و سنی مطرح می کنند چیست؟
شيخ پاسخ داد: اين اختلافات سياست خارجی است و می خواهند بين شيعه و سنی اختلاف بيندازند.
- خبرنگار گفت من یک سوال جدی دارم: شيعيان که شيخين را قبول ندارند، چگونه می گویند اينها مسلمان هستند؟
شيخ طيب گفت: بله قبول ندارند، اما مگر اعتقاد به ابوبکر و عمر جزو اصول دين اسلام است؟ قصه ابوبکر و عمر یک قصه تاریخی است و تاریخ به اصول اعتقادات ربطی ندارد.



• خبرنگار که از این جواب جا خورده بود گفت: شیعیان یک ایراد دارند آن هم اینکه می گویند امام زمانشان از هزار سال پیش هنوز زنده است.
شیخ پاسخ داد: خوب ممکن است، چرا ممکن نباشد، ولی دلیلی ندارد ما اعتقاد آنان را داشته باشیم .

خوشحال خان ختک که از نخستین شاعران بزرگ زبان پشتواست، در یکی از سروده هایش با صراحت از «امامان دوازده گانه» که در حدیث پیامبر اسلام ﷺ از آن ها سخن به میان آمده است، نام می برد و شرط پاک بودن را استواری در محبت اهل البیت  می داند.

« د جهان دولس امام »

په حدیث ک نام په نام دے	د جهان دولس امام دے
بل حسین پاکیزه تن دے	یو علی دویم حسن دے
بل باقر ستنه د دین دے	چارم زین العابدین دے
بل امام موسی کاظم دے	بل جعفر وریسی هم دے
محمد تقی بل بیا دے	بل امام علی رضا دے
بل حسن عسکری دے	بل امام علی نقی دے
چی د درست جهان هادی دے	بل امام، امام مهدی دے
پشت په پشت دا هسی یاد دے	د بی بی زهرا اولاد دے
چ د آل په عشق محکم دے	پاک سنی هغه آدم دے



فهرست آیات

سوره مبارکه اسراء، آیه 80..... 5

﴿ رَبِّ ادْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّاجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا ﴾

سوره مبارکه توبه، آیه 122..... 6

﴿ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُوْنَ لِيَنْفِرُوْا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَآئِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوْا فِي الدِّيْنِ وَلِيُنْذِرُوْا قَوْمَهُمْ اِذَا رَجَعُوْا اِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُوْنَ ﴾

سوره بقره، آیه 256..... 9

﴿ لَا اِكْرَاهُ فِي الدِّيْنِ ﴾

سوره مبارکه سبأ، آیه 46..... 12

﴿ قُلْ اِنَّمَا اَعْطٰكُمْ بِوَاحِدَةٍ اَنْ تَقُوْمُوا لِلّٰهِ مَثْنٰی وَفُرَادٰی ﴾



سوره مبارکه مائده، آیه 32 13

﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾

سوره مبارکه بقره، آیه 185 14

﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾

سوره مبارکه مائده، آیه 2 14

﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾

سوره مبارکه يوسف، آیه 108 15

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾

سوره مبارکه نحل، آیه 43 15

﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

سوره مبارکه فاطر، آیه 18 16

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾



سوره مبارکه آل عمران آیه 75 16

﴿وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنُهُ بِقِنْطَارٍ يُودِّهِ إِلَيْكَ﴾

سوره مبارکه بقره، آیه 113 17

﴿فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾

سوره مبارکه آل عمران آیه 64 17

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾

سوره مبارکه آل عمران، آیه 103 17

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾

سوره مبارکه حشر، آیه 2 18

﴿فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾

سوره مبارکه توبه، آیه 40 20

﴿كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا﴾



سوره مبارکه آل عمران آیه 64 21

﴿ تَعَالَوْا ﴾

سوره مبارکه زاریات آیه 55 25

﴿ وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ﴾

سوره مبارکه رعد آیه 28 25

﴿ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴾

سوره مبارکه حدید آیه 4 25

﴿ هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ ﴾



فهرست روایات و ادعیه

صحیفه سجادیه، دعای مکارم الأخلاق 5

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي مَا يَشْغُلُنِي الْإِهْتِمَامُ
بِهِ وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسَالْنِي غَدًا عَنْهُ وَاسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيَمَا خَلَقْتَنِي
لَهُ وَاغْنِنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ وَلَا تَقْتِنِي بِالنَّظَرِ وَأَعِزَّنِي وَلَا
تَبْتَلِيَنِي بِالْكِبَرِ وَعَبِّدْنِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ وَأَجْرِ
لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ وَلَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنِّ وَهَبْ لِي مَعَآلِيَ الْأَخْلَاقِ
وَاعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ»

نهج البلاغه، حکمت 73 12

«مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمٍ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ
غَيْرِهِ»

مستدرک عوالم العلوم : 23 / 279 13

«لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ»



أصول الكافي، باب الاهتمام بأمور المسلمين، الحديث 1 14

«مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»

الأمالی للمفید: 3/5 19

إِعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفْ أَهْلَهُ.

الفقيه 4: 243 20

«الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَلَا يُعَلَى عَلَيْهِ»



فهرست اشعار

23..... قوت اُفرنگ

25..... معرفت از لفظ

32..... « د جهان دولس امام »

